

تحلیل گفتمان مدیریت دولتی ایران در بخش آموزش و پرورش

*سیدمهدی الوانی^۱، مهرداد صباغی^۲

۱. استاد مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجو دکتری مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: (۹۶/۱۲/۱۶) تاریخ پذیرش: (۹۷/۴/۱۹)

Discourse Analysis of Public Administration: "Education Sphere in Iran"

*Seyed Mehdi Alvani¹, Mehrdad Sabbaghi²

1. Professor of Management, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran.
2. Ph.D Candidate of Management, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran.

Received: (7/Mar/2018)

Accepted: (10/June/2018)

Abstract

To be democratic, transparent, and publicly-engaged are of integral qualities to administrate public affairs in modern era by the organizations. The survey suggests that at verbal stage and superficial structure, the language of governmental senior officials is close to this discourse. However, one of the key setbacks in interactions of public organizations providing public services is language hinders. This study is to characterize the discourse of public administration concerning education in between 1989- 2013 to assess the extent they concur with modern paradigm in public administration. To conduct the survey, Fairclough 's approach has been applied. The findings indicate that, although senior officials in Education Ministry are largely inclined to use conceptions as well as variations of modern paradigm of management, their usage is highly superficial and less genuine. In fact, what really occurs is language gaming, blurring their intentions through insisting on bureaucratic mechanism and expertization of reference language in public interactions, poor inclusiveness, and slogan-oriented approach versus practice-oriented one play the central role in their discourse.

Keywords

Blurring, Discourse Analysis, Inclusiveness, new Public Administration, Public Value.

چکیده

رویکردهای نوین اداره امور عمومی بر ویژگی‌هایی همچون دموکراتیک بودن، شفافیت، مشارکت عامه مردم و غیره، به‌عنوان شاخص‌های سازمان‌ها در عصر پست‌مدرن اشاره دارد. در سطح گفتاری و سازه‌های صوری، زبان مدیران دولتی به این ادبیات نزدیک است. اما یکی از موانع مهم در تعاملات بین سازمان‌های دولتی (ارائه‌دهنده خدمات عمومی) با مردم (گیرندگان خدمات) موانع زبانی است. در تحقیق حاضر محققان کوشیده‌اند تا مختصات گفتمان مدیریت دولتی در سه دوره حاکمیت دولت‌های مختلف طی ۲۴ سال از ۱۳۶۸ تا پایان سال ۱۳۹۱ را بررسی کرده و میزان دوری و نزدیکی آن به پارادایم‌های نوین مدیریت دولتی مورد تحلیل قرار دهند. روش تحقیق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف گویای آن است که به‌رغم استعمال زیاد مدیران دولتی از مفاهیم و متغیرهای پارادایم‌های نوین مدیریت، این کاربرد درد قابل توجهی جنبه صوری و ظاهری داشته و در عمل استفاده از بازی‌های زبانی، مجهول‌نگه‌داشتن نیت از طریق تأکید بر قواعد بوروکراتیک و استعمال زبان معیار تخصصی در تعامل با عامه مردم، شعارزدگی و شمول معنایی پایین از مختصات گفتمان مدیریت دولتی در جامعه مورد بررسی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان، شمول معنایی، مجهول‌سازی، مدیریت دولتی نوین، ارزش عمومی.

مقدمه

در بیان کلاسیک بر زبان به‌عنوان «حرکت و عمل» همواره تأکید شده است. بدین طریق، کلمات و مفاهیم، که اجزای تشکیل‌دهنده ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نبوده و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت ارتباطات آن‌ها، دگرگون شده و معانی متفاوتی را بیان می‌کنند. بدین‌جهت، ساختار زبان نیز همواره تغییرپذیر بوده است. با این رویکرد می‌توان گفتمان را به‌عنوان نمایانگر تبیین زبان در ورای جمله و کلمات و عبارات دانست و آن را در علائم و کنش‌های کلامی غیرکلامی و کلیه ارتباطات میان افراد، جست‌وجو کرد (سلیمی نوه، ۱۳۸۳).

امروزه خیلی از بوروکراسی‌های (سازمان‌های) دولتی با محرمانه نگه‌داشتن دانش خود و همچنین با استفاده از واژگان و مفاهیم خاص که بقیه درباره آن‌ها آشنایی چندانی ندارند. از این طریق به حفظ موقعیت قدرت خود در مقابل سایر عناصر تشکیل‌دهنده نظام اداری و سیاسی می‌پردازند و بر مردم عادی اعمال سلطه می‌نمایند. لذا، بیشتر اوقات برتریت فنی مدیران دولتی در بوروکراسی نه‌تنها ناشی از مشخصات ساختاری و کارکرد ماشین گونه آن است، بلکه همچنین از شیوه برخورد با شهروندان در داخل محدوده ساختار منحصره‌فرد آن نیز ناشی می‌شود (میرزایی اهرنجان، ۱۳۸۵: ۲۲۶).

درواقع، مدیران سطح عالی در سازمان‌های دولتی نظیر وزرا، معاونان، قائم‌مقام و مشاوران وزیر و مدیران کل وزارتخانه‌ها در مواقعی که قرار است پاسخگوی نیازها و خواسته‌های شهروندان باشند، با استفاده از یک سری واژگان و مفاهیمی که مردم عامه با آن بیگانه و ناآشنا هستند و همچنین با آرایش این واژگان به‌طوری که فقط سیاست‌مداران و خود متوجه آن می‌شوند بر شهروندان جامعه اعمال سلطه می‌کنند و از پاسخگویی طفره می‌روند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۱).

بنابراین، هدف تحقیق حاضر کشف مختصات گفتمانی مدیریت دولتی در بخش آموزش و پرورش و مناسبات و ارتباطات این بخش با مردم (به‌عنوان خدمت‌گیرندگان) است. با توجه به اینکه آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از ارکان اصلی شکل‌دهی نظام تربیتی هر کشوری محسوب می‌شود و همه حکومت‌ها توجه ویژه‌ای به این موضوع دارند و همچنین با عنایت به اینکه خدمات این بخش در زمره خدمات عمومی و مطالبه مردم است، مطالعه و بررسی آن اهمیت داشته و ضرورت دارد.

درواقع، در تحقیق حاضر در جستجوی پاسخ به این سؤال هستیم که در مدیریت دولتی ایران، شرایط گفتمانی حاکم در مواجهه با مردم (به‌عنوان خدمت‌گیرندگان) از چه مشخصاتی برخوردار است؟ و آیا این گفتمان از الگویی تبعیت می‌کند؟ در صورت مثبت‌بودن پاسخ، از چه الگویی تبعیت می‌نماید؟ علاوه‌بر این وضعیت قرابت و محجوریت این گفتمان با الگوهای نظری نوین در حوزه مدیریت چیست؟ از این‌رو، در این تحقیق تلاش می‌نماییم تا با روش تحلیل گفتمان در سطح گزاره‌های زبانی ویژگی‌های گفتمانی مدیریت دولتی ایران در بخش آموزش و پرورش را (شامل: عبارت باندی‌های افراطی یا دگرسان، شمول معنایی، تضاد معنایی، مجهول‌سازی، وجهیت رابطه‌ای، وجهیت بیانی) شناسایی و احصا نماییم. درواقع سؤالات تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- مختصات گفتمان (شامل: عبارت بندی‌های افراطی یا دگرسان، شمول معنایی، تضاد معنایی، مجهول‌سازی، وجهیت رابطه‌ای، وجهیت بیانی) وزرای آموزش و پرورش در دوره‌های سه‌گانه (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱) کدام است؟
- ۲- مفاهیم مدیریتی قابل‌استخراج از این گفتمان‌ها چیست؟ (مقایسه سه دوره)
- ۳- وضعیت قرابت یا محجوریت گزاره‌های زبانی مستتر در گفتمان مدیران یا وزرا نسبت به مدل‌های مطلوب تئوریک چگونه ارزیابی می‌شود؟

پیشینه نظری پژوهش**بخش مدیریت**

«اداره امور» در فرهنگ آکسفورد به معنای «اداره‌کردن»، با مفهوم «مدیریت امور» یا «اداره امور عملیات» یا «هدایت و نظارت بر اجراها» آمده است. در حالی که مدیریت عبارت است از: هدایت کردن، کنترل کردن مجموعه‌ای از امور به‌وسیله اقدامات یک نفر، به‌منظور ایجاد تغییر. در فرهنگ بستر اداره امور همین معنی را دارد ولی مدیریت مفصل‌تر معنی شده است (هنوز، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۲).

ریشه لاتین این دو کلمه نیز با یکدیگر تفاوت دارند. اداره امور ریشه در Minor و سپس از ریشه ministrare به معنای «خدمت‌کردن» و به‌دنبال آن به معنای «حکومت‌کردن» است. مدیریت از ریشه Manus، به معنی کنترل با دست می‌باشد. تفاوت اصلی این دو کلمه در «خدمت‌کردن» و «کنترل کردن» و دستیابی به نتایج» نهفته است (همان: ۱۳). اداره امور اساساً شامل پیروی از دستورات و ارائه خدمات است،

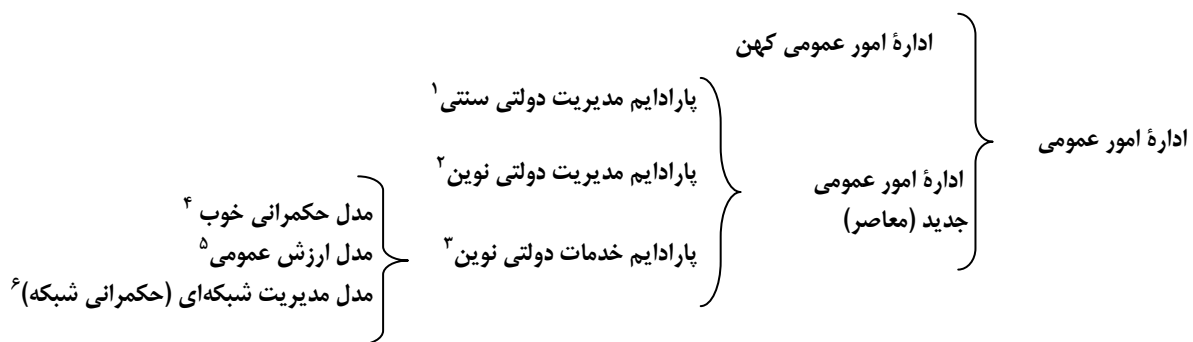
اینکه قرار دادن مدل‌های حکمرانی خوب، ارزش‌های عمومی و حکمرانی شبکه‌ای ذیل پارادایم خدمات دولتی نوین صرفاً به معنی ارتباط و مشابهت برخی از متغیرهای هریک از این مدل‌ها با پارادایم مذکور می‌باشد و این مدل‌ها زیرمجموعه اجزا این پارادایم تلقی نمی‌شود.

پارادایم مدیریت دولتی سنتی یا کلاسیک

اداره امور عمومی بر پایه الگوی کلاسیک یا سلسله‌مراتبی از مصادیق مدیریت دولتی قدیم است. اعمال اقتدار دولت بر تمام بخش‌ها و قلمرو جغرافیایی کشور، سیطره و نفوذ ساختارهای سلسله‌مراتبی خشک در سراسر کشور، یکپارچگی مقررات و رویه‌های کاری، تفکیک سیاست از اداره و محدود شدن اداره به نقش‌ها و کارکردهای اجرایی، کنترل‌های شدید قضایی، مالی و سیاسی در دیوان‌سالاری دولتی از مشخصات اصلی الگویی قدیم مدیریت دولتی هستند (کوینم، ۲۰۰۲). از دهه‌های ۱۹۷۰ به بعد، الگوی سنتی مدیریت دولتی به سبب انعطاف‌ناپذیری و گستردگی بخش دولت، ضعف سازمان‌های دولتی در تأمین انتظارات و نیازهای شهروندان و کاهش اعتماد عمومی مردم به دستگاه اداری با انتقادهای زیادی مواجه شده است.

در حالی که مدیریت، شامل اول، تحقق نتایج، دوم، مسئولیت شخص مدیر در برابر اهداف به دست آمده است.

توجه اداره امور دولتی بر فرایند، دستورالعمل‌ها و قواعد متداول و مرسوم متمرکز است، حال آنکه مدیریت دولتی فراتر از این است. به جای آنکه فقط از دستورالعمل‌ها پیروی کند، بر تحقق نتایج و قبول مسئولیت آن‌ها تأکید دارد. کلمه «مدیر» بیشتر به کار می‌رود، زیرا این کلمه آنچه را که بهتر توصیف می‌کند اکنون عملاً انجام می‌شود. (همان: ۱۴). به همین تعبیر می‌توان گفت اداره امور بخش دولتی و مدیریت بخش دولتی با یکدیگر متفاوت دارند. با این توصیف و از همین منظر می‌توانیم سیر تاریخی پارادایم‌ها و نظریه‌های مدیریت دولتی را همانند شکل ۱ تقسیم‌بندی نماییم. در واقع، اگر اداره امور عمومی را مدخل ورود به بحث قرار دهیم می‌توانیم بگوییم اداره امور عمومی (دولتی) به دو دوره کهن و مدرن (معاصر) قابل تفکیک می‌باشد. اداره امور دولتی کهن (پیشین) دارای پیشینه‌ای طولانی به موازات شکل‌گیری تمدن‌ها همچون سیستم‌های حکومتی و اداری مصر باستان، ایران چین است که در این جا محل بحث و بررسی ما نخواهد بود. اما اداره امور عمومی (دولتی) مدرن یا معاصر که اساساً از اواخر سده ۱۹ میلادی تاکنون را در برمی‌گیرد مورد تأکید و بررسی ما خواهد بود که سیر تطور آن به شکل ذیل قابل‌ارائه است. قابل توجه



شکل ۱. تقسیم‌بندی تئوری‌های اداره امور عمومی (مدیریت دولتی)، منبع: نگارندگان

1. Traditional public Administration
2. New public Management
3. New public services
4. Good Governance
5. public value
6. Network Governance

و کوچک‌سازی (دانایی‌فرد، ۱۳۸۷: ۱۳۷) و تعدیل نیروی کار از محورهای اصلی مدیریت دولتی نوین است (پولیدانو، ۱۹۹۹). هایز و کیرنی (۱۹۹۷) به نقل از دانایی‌فرد، ۱۳۸۷: ۱۳۷) با بررسی آثار منتشر شده درباره مدیریت دولتی نوین دریافتند که پنج اصل محوری در مدیریت دولتی نوین به شرح زیر است و نتیجه گرفتند که این اصول مهم‌ترین ارکان مدیریت دولتی نوین هستند:

- ۱- کوچک‌سازی: کاهش اندازه و قلمرو دولت؛
 - ۲- مدیریت‌گرایی: به‌کارگیری اصول مدیریت بازرگانی در دولت؛
 - ۳- تمرکززدایی: واگذاری تصمیم‌گیری به دریافت‌کنندگان خدمات؛
 - ۴- دیوان‌سالاری‌زدایی: بازسازی دولت با محوریت تأکید بر نتایج به‌جای فرایندها؛
 - ۵- خصوصی‌سازی: تولید کالاها و عرضه خدمات عمومی توسط شرکت‌های غیردولتی.
- مدیریت دولتی ابزاری برای اجرای ارزش‌های افراد، گروه‌ها، طبقات اجتماعی یا جامعه است. این ارزش‌ها تداوم دارند اما غالباً رقیب هستند. در هر لحظه معینی یکی از این ارزش‌ها ممکن است بر عمل مدیریت دولتی غالب و مسلط باشند. بنابراین، می‌توان گفت وقتی مدل‌های کلاسیک و نئوکلاسیک بر مدیریت دولتی حاکم‌اند، کارایی، صرفه‌جویی، بهره‌وری و تمرکز هنجارهای حاکم خواهند بود (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۷۸).

پارادایم خدمات دولتی نوین^۱

این پارادایم با تأکید دوباره بر مفاهیم شهروند، خدمت، اجتماع، مداخله و مشارکت شهروندان، تأثیراتی نیز بر نظریه رفتار شهروندی داشت. ایده‌های اساسی این پارادایم به شرح ذیل است «به شهروندان خدمت کنید نه به مشتریان، در پی منافع ملی باشید، شهروندان را بیش از کارآفرینی ارج بگذارید، استراتژیک فکر کنید دموکراتیک عمل کنید، بدانید که پاسخگویی آسان نیست، برای مردم ارزش قایل شوید نه صرفاً برای بهره‌وری و به‌جای هدایت کردن خدمت کنید» (احمدی و احمدی، ۱۳۸۹).

دنهارت در تبیین سیر تحول ادبیات مدیریت دولتی از رویکرد خدمات عمومی نوین به‌عنوان جایگزینی برای مدیریت دولتی نوین یاد می‌کند. خدمات عمومی نوین، پارادایم نوین

بسیاری از ارزش‌های مردم‌سالاری در الگوی مدیریت دولتی کلاسیک نادیده گرفته و دولت‌سالاری جایگزین مردم‌سالاری شده است و نقش بخش‌های بازرگانی و نهادهای مردمی در اداره امور عمومی مورد غفلت قرار می‌گیرد. شهروندان احساس جدایی و بیگانگی با سازمان‌های عمومی می‌کنند و به این باور می‌رسند که مقامات و کارگزاران عمومی به منافع شخصی خویش چشم دوخته و از مردم فاصله گرفته‌اند (همان). از این‌رو، بسیاری از نویسندگان مدیریت دولتی، راه‌حل خروج از بحران اداره امور عمومی را گذر از پارادایم مدیریت دولتی کلاسیک به پارادایم مدیریت دولتی نوین معرفی کردند.

پارادایم مدیریت دولتی نوین

دومین رویکرد، بر انتخاب عمومی استوار است و نیاز به حاکمیت کارآفرین را مطرح می‌سازد. در این رویکرد، سازمان‌های بخش دولتی تشویق می‌شوند تا با هم‌ردیف‌های خود در بخش خصوصی رقابت کنند. از این‌رو، این رویکرد پرکاربرد نظریه اقتصادی و الگوهای مدیریت بخش خصوصی در بخش دولتی تأکید دارد (اسمیت، ۲۰۰۴: ۷۹-۶۸). برخی نیز مدیریت دولتی نوین یا مدیریت‌گرایی را تحولی در روش مدیریت حکومت به حساب می‌آورند و معتقدند که کانون توجه مدیریت دولتی نوین از حکومت به حاکمیت معطوف شده است (همان).

از دهه ۱۹۷۰ که در ادبیات مدیریت، اداره امور دولتی (Public Administration) به مدیریت دولتی (Public Management) تغییر نام یافت، مرزبندی‌های مدیریت دولتی و مدیریت بنگاه‌های بازرگانی کم‌اهمیت قلمداد و بر به‌کارگیری فنون مدیریت بازرگانی در اداره بخش عمومی، خصوصی‌سازی خدمات عمومی، کاهش تصدی‌گری دولت و اداره سازمان‌های دولتی به سبک بنگاه‌های خصوصی توجه می‌شود. کسری بودجه دولت‌ها، ناتوانی دولت‌ها در پاسخ به انتظارات جامعه و رویارویی با چالش‌های اقتصادی و سیاسی، محرک مهم و تعیین‌کننده‌ای برای اتخاذ رویکردهای اصلاح و بازآفرینی دولت بود و در این بافت اصلاحی بود که نهضت مدیریت دولتی نوین یا مدیریت‌گرایی جایگزین الگوی سنتی مدیریت دولت شد (بووارید، ۲۰۰۲). در مدیریت دولتی نوین محور اصلی، مطالعه اصلاحات اداری در قلمرو بخش عمومی و مدیریت دولتی است و در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه که این نهضت فراگیر شده است، از آن به‌عنوان انقلاب مدیریتی یاد می‌کنند. خصوصی‌سازی، واگذاری بخشی از تصدی‌گری‌ها به بخش خصوصی، ایجاد شرکت‌های مستقل

مدیریت دولتی نوین معتقد است وقتی سیستم‌های مجموعه خاصی از تخصیص قرارداد و بودجه ایجاد می‌شوند، منافعی به ارمغان خواهند آورد. ویژگی‌های مدیریت دولتی سنتی یعنی، تداوم و ثبات، در تفکر مدیریت ارزش عمومی زیاد غالب نیستند. در عوض تأکید بر روی چالش و تغییر است. مدیریت ارزش عمومی به سیستم گفتگو و تبادل نظر مرتبط با حکمرانی شبکه‌ای اعتقاد و اعتماد دارد.

مدیریت ارزش عمومی، پارادایمی جدید و روایتی متفاوت از اصلاحات ارائه می‌دهد، قدرتش در باز تعریفش در چگونگی رویارویی با چالش‌های بهره‌وری، پاسخگویی و عدالت و برابری و در توانایی‌اش برای اشاره به یک نیروی انگیزشی نهفته است.

مدل مدیریت شبکه‌ای^۲ (حکمرانی شبکه‌ای)

عصر حاضر را عصر مسائل شبکه‌ای می‌توان نامید. برای حل مسائل شبکه‌ای مدیریت شبکه‌ای لازم است تا براساس نظریه هم‌شکل شدن، هر سیستمی برای ارتباط با سیستم‌های دیگر باید پیچیدگی هم‌سطح آن یا بالاتر از آن داشته باشد. از این رو، مدل سنتی سلسله‌مراتبی مدیریت دولتی برای حل مسائل حاضر اثربخش نیست و در چنین دورانی، حکمرانی شبکه‌ای (دانایی‌فرد، ۱۳۹۲) مناسب است. بنابراین، مظاهر این جامعه مدرن باید در فضای دولت نیز متجلی شود. بر این اساس شیوه شبکه‌ای حکمرانی نسبت به شیوه‌های رایج با ویژگی‌های عصر فعلی متناسب است (مک‌گایر، ۲۰۱۱).

بررسی سیر تاریخی تغییرات دولت‌ها حاکی است که آن‌ها برای دستیابی به اهداف عمومی و به‌منظور ارائه خدمات (کالاهای) عمومی به آحاد جامعه و شهروندان، با سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی، انجمن‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه همکاری و مشارکت مبتنی بر اعتماد متقابل ایجاد می‌کردند.

بخش گفتمان

از گفتمان دو تعبیر می‌شود: یک تعبیر آن را در قالب زبان و کلام و گفتار یا سخن می‌داند و تعبیر دیگر آن را فرازبانی قلمداد می‌کند و نقش زمینه و بسترهای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی را در آن دخیل می‌داند. در تعبیر اول، به صورت و شکل و فرم زبان توجه می‌شود و در تعبیر دوم به زمینه‌مندی یا دخالت عوامل برون‌زبانی (اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) یا فرازبانی توجه دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

مدیریت دولتی در دهه پایانی قرن بیستم است که با حکمرانی خوب سازگاری کامل دارد. دنهارت خدمات عمومی نوین را در مقایسه با مدیریت دولتی سنتی و مدیریت دولتی نوین تکامل‌یافته‌تر ارزیابی می‌کند و معتقد است که ادبیات مدیریت دولتی از مدیریت دولتی سنتی به مدیریت دولتی نوین و نهایتاً به رویکرد خدمات عمومی نوین تغییر یافته است (سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱).

در پارادایم مدیریت دولتی کلاسیک، مبانی نظری و معرفت‌شناختی از نظریه‌ها و مفاهیم علوم سیاسی تأثیر پذیرفته است. در حالی که در مدیریت دولتی نوین، نظریه‌های اقتصادی و مکتب اصالت تجربه و عمل‌گرایی نفوذ دارند و در رویکرد خدمات عمومی نوین که با حکمرانی خوب و حکمرانی مردم‌سالارانه همسویی دارد، نظریه‌های مردم‌سالاری و مبانی معرفت‌شناسی تفسیری، تجربه‌گرایی و فرامردن‌گالی هستند. نهضت مدیریت دولتی نوین، مدیران دولتی را به تفکر و اقدام حسابگرانه و اقتصادی تشویق می‌کند و بر اداره سازمان‌های عمومی به سبک و سیاق مؤسسات بازرگانی تأکید دارد. اما رویکرد خدمات عمومی نوین حکومت را مدیون شهروندان می‌داند و بر سبک‌های حکمرانی مردم‌سالارانه، ارزش‌های جلب مشارکت آحاد شهروندان و پاسخ‌گویی مدیران و کارگزاران عمومی به شهروندان و مراجع قانونی متمرکز است (هس، ۲۰۰۷).

مدل ارزش عمومی^۱

این رویکرد بر خدمات همگانی استوار است. این رویکرد، با تأکید بر جامعه مدنی، دموکراسی و همکاری و شهروند‌گرایی در پی آن است که منافع همگانی را در اولویت قرار دهد (دنهارت، ۲۰۰۰).

این نظریه بیان می‌کند که خلق ارزش همگانی، هدف غایی برنامه‌ها و فعالیت‌های بخش دولتی است (بوزمان، ۲۰۰۲؛ کیرانز، ۲۰۰۴) همان‌طور که مور (۲۰۰۰) می‌گوید، برای خلق ارزش همگانی، مدیران ارشد باید سه زمینه کلیدی را تبیین کنند:

– تأمین خدمات با کیفیت بالا و اثربخشی هزینه‌ای،

– دستیابی به نتایج مطلوب و

– حمایت از سطح بالایی از اعتماد بین شهروندان و دولت.

در جمع‌بندی می‌توان این‌گونه گفت که مدیریت دولتی سنتی به ایجاد دستورات بوروکراتیک هسته‌ای علاقه‌مند است؛

در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارد. در بافت موقعیتی که از آن به بافت غیرزبانی هم یاد می‌کنند، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، مدنظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۴).

سه بعد اصلی در مفهوم گفتمان

تئون وندایک، سه بعد اصلی را در مفهوم گفتمان در نظر می‌گیرد: ۱- کاربرد زبان ۲- برقراری ارتباط میان باورها که همان جنبه شناختی را شامل می‌شود ۳- تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (وندایک، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷).

با این فرض، چند رشته در مطالعه گفتمان، خواسته یا ناخواسته درگیرند: زبان‌شناسی، برای مطالعات خاص زبانی و کاربرد زبان، روان‌شناسی، برای مطالعه باورها و این که چگونه با آن‌ها یا میان آن‌ها و باورهای دیگر ارتباط برقرار می‌شود و علوم اجتماعی، برای تحلیل تعاملات در موقعیت‌های اجتماعی. به‌طور کلی وظیفه اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان است که ذکر آن رفت. اینکه چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعاملات مؤثر است یا برعکس، چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می‌گذارد و یا اینکه باورها چگونه کاربرد زبان و تعاملات را کنترل می‌کنند و در چه زمینه‌های اجتماعی، این امر صورت می‌گیرد، همه مؤید این سه بعد اصلی در مطالعه گفتمان هستند.

"سه نسل" در نظریه گفتمان

تورفینگ (۲۰۰۵: ۶) از سه نسل در نظریه گفتمان نام می‌برد. در نسل اول، گفتمان واحدی زبان‌شناختی فراتر از سطح جمله تلقی می‌شود و محققان بیشتر بر جنبه‌های معنایی متن (کتبی یا شفاهی) متمرکز می‌شوند. این شکل تحلیل گفتمان، شیوه سخن‌گویان منفرد را در کاربرد عملی زبان بررسی می‌کند. نسل دوم، نظریه گفتمان را در معنایی وسیع‌تر تعریف می‌کند. گفتمان به متن‌های نوشتاری یا گفتاری محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه گسترده‌تری از پراکنش‌های اجتماعی^۳ را در برمی‌گیرد. تحلیل انتقادی گفتمان و به‌ویژه کار نورمن فرکلاف از مصادیق مهم نسل دوم تحلیل گفتمان است.

از واژه گفتمان، گاهی برای اشاره به طرز تلقی، نگرش و در مجموع اندیشه‌های یک فرد و یا دیدگاه و خط فکری استفاده می‌شود. همچنان که گفتمان‌ها می‌توانند ناظر بر یک ایدئولوژی و در بردارنده منظور منسجمی از اندیشه‌ها و راهبردهای عملی باشند، گاه نیز این واژه در تفکیک و تمایزگذاری میان ابعاد مختلف پدیده‌های اجتماعی چون اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد (قیصری، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

به لحاظ هستی‌شناسی، گفتمان‌ها به این مطلب اشاره دارند که حقایق ثابت بیرونی وجود ندارد و تنها از طریق گفتمان است که این حقایق بازنمایی می‌شود. در این بازنمایی، زبان حقیقت را ایجاد می‌کند و تغییر می‌دهد. بنابراین، جهان اجتماعی محصول گفتمان‌ها است و حتی کنش انسان را نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌کند. برای مثال، طغیان رودخانه و جاری شدن سیل حادثه‌ای است که مستقل از تفکر و ذهنیت مردم روی می‌دهد، اما زمان معنادهی به آن از سوی مردم مصادف است با گفتمانی شدن آن که افراد براساس گفتمان‌های خود آن را به خشم خدا، سوءمدیریت دولتی، ال نینو، خرابی سیل بند و... تعبیر و تحلیل می‌کنند. این گفتمان‌ها آثار و پیامدهای خاص خود را به همراه دارند که از ساختن سیل بند، دفاع از سیاست‌های زیست‌محیطی و انتقاد از دولت گرفته تا تقویت دین‌داری و ایمان به خدا، همه را دربرمی‌گیرد. پس در این نظریه واقعیت اجتماعی ساخته و معنی‌دار می‌شود که آن از طریق زبان صورت می‌گیرد. خصوصیت این میناسازی این است که امری دائمی است و اصطلاحاً زبان امری در حال ساخته‌شدن است نه از قبل ساخته شده. اما به لحاظ معرفت‌شناسی، واقعیت این است که گفتمان نیز همانند بسیاری از مفاهیم اجتماعی دیگر معنای خیلی روشن و شفاف ندارد. این امر از آن روی است که مفاهیم اجتماعی مفاهیمی در بسته و سربسته نیست و تابعی از نظام زبانی و معنایی ذهنی جامعه است. این سیالیت به‌علاوه کاربرد وسیع و بعضاً غلط این واژه‌ها باعث ایجاد سوءبرداشت‌های معرفتی می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰).

بنابراین، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در تحلیل گفتمان با دو عنصر مواجه هستیم:

۱. بافت متن^۱. ۲. بافت موقعیت^۲.

منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر

1. context
2. context of situation

3. Social Practices

جمهوری پس از انقلاب اسلامی با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی بر روی ماهیت پاسخگویی مالی دولت‌های پس از انقلاب پرداخته است. در این تحقیق از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است و ۱۲ متن از میان سخنان روسای جمهور پس از انقلاب از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ از روزنامه اطلاعات انتخاب شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد هر دولت برای پاسخگویی در قبال عملکرد اقتصادی خود با توجه به وضعیت سیاسی و بافت اجتماعی حاکم در آن دوره، از لحاظ ماهیت متفاوت است. ولی در مجموع روند نسبتاً یکنواختی در همه دوره‌ها در حمایت از نتایج اقدامات مشاهده می‌شود و روسای جمهور هر دوره با نگاهی منتقدانه نسبت به عملکرد دولت‌های پیشین به مقایسه عملکرد خود با آن‌ها می‌پردازند.

خالقی و همکاران (۱۳۹۲) تحلیل گفتمانی امر اخلاقی در سیاست‌گذاری حکومت الکترونیکی ایران را مورد پژوهش قرار دادند. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به موضوع اخلاق در قلمرو حکومت پرداخته است و تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که اخلاق رسمی حکومت الکترونیکی چگونه در زبان پدیدار می‌شود و با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی چه نسبتی دارد؟ در واقع پرسش اصلی پژوهش بررسی چگونگی معنی‌شدن اخلاق و اصول اخلاقی رسمی در پهنه حکومت الکترونیکی است. در این پژوهش از روش فرکلاف بهره گرفته شده است و با بررسی متن‌های سیاستی نشان داده شد که اخلاق در حکومت الکترونیکی پدیده‌ای فنی است و با نتولیرالیسم همسویی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی بوده و به دنبال تحلیل گفتمانی است. در این پژوهش برای بررسی ماهیت گفتمانی مدیریت دولتی در ایران در بخش آموزش و پرورش، از مدل فرکلاف استفاده شده است. فرکلاف معتقد است مجموعه ویژگی‌های صوری‌ای که در یک متن خاص یافت می‌شوند می‌توانند به عنوان انتخاب‌های خاصی از میان گزینه‌های موجود در انواع گفتمان‌هایی تلقی شوند که متن از آن‌ها استفاده می‌کند. به منظور تفسیر ویژگی‌هایی که به صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، معمولاً مدنظر قراردادن دیگر انتخاب‌های ممکن ضروری است؛ یعنی انتخاب از میان نظام‌های گزینه‌ای انواع گفتمان‌هایی که ویژگی‌های موجود از آن‌ها اخذ شده‌اند. در نتیجه، تحلیل متون، کانون توجه دائماً بین آنچه که در متن

در این برداشت از گفتمان، بر تمایز میان پرکتیس‌های گفتمانی^۱ و پرکتیس‌های اجتماعی انگشت نهاده می‌شود و چنان‌که فرکلاف در یکی از آثار اخیرش (زبان و جهانی‌شدن) تأکید می‌کند، او گفتمان را عنصری از فرایندهای اجتماعی می‌داند که درگیر رابطه‌ای دیالکتیکی با سایر عناصر است. هر کدام از این عناصر با دیگری متفاوت است و هیچ کدام را نمی‌توان به دیگری تقلیل داد (فرکلاف، ۲۰۰۶: ۲۵).

در نسل سوم، مفهوم گفتمان چنان گسترش می‌یابد که کل فرایندهای اجتماعی را شامل می‌شود. همه امور گفتمانی هستند، زیرا معنای آن‌ها در گرو مجموعه‌ای از قواعد و تفاوت‌هایی است که تصادفاً ساخته شده است (تورفینگ، ۲۰۰۵: ۸).

پیشینه تجربی پژوهش

مقیم و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه ماهیت زبان دولت در سه دهه انقلاب اسلامی و ارائه الگوی کارآمد آن در ایران»، زبان دولت را تا حد زیادی شبیه به زبان بوروکراسی دانسته است. معتقد است بسیاری از مشکلات مدیریت دولتی با همین زبان بوروکراسی (زبان بوروکراتیک) رديابی می‌شود. روش انجام پژوهش برای بررسی وضعیت موجود زبان دولت در سه دهه مبتنی بر رویکردهای تحلیل گفتمان فرکلاف و سطح خرد وان دایک بوده و تدوین الگوی کارآمد زبان دولت مبتنی بر نظرسنجی از خبرگان (دلفی) بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل سخنان مدیران دولتی در سه دوره ده ساله انقلاب اسلامی در روزنامه‌ها است که ۲۸ متن از روزنامه جمهوری اسلامی به منزله نمونه انتخاب شده که مبنای روش نمونه‌گیری اشباع تئوریک بوده است و برای نظرسنجی از خبرگان نیز از روش نمونه‌گیری قضاوتی در مرحله اول و سپس نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، ماهیت زبان دولت در سه دهه (وضعیت موجود) به زبان بوروکراسی نزدیک است و الگوی کارآمد زبان دولت (وضعیت مطلوب) باید از خوی و منش چنین زبانی فاصله بگیرد و به سمت زبان فرا بوروکراتیک سوق پیدا کند؛ زبانی که صادق، ملت ساز، مشارکت‌جو، پاسخگو، تک‌ریم کننده شهروندان، متوجه منافع عمومی، عدالت محور، شفاف و ارزش محور است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان مطالعه و مقایسه پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره ریاست

وجود دارد و نوع گفتمان یا انواع گفتمان‌هایی که متن از آن‌ها استفاده می‌کند در نوسان است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۹).

در روش فرکلاف در سطح توصیف در سه حیطه واژگان، دستور و ساخت‌های متنی و از طریق ده سؤال پیرامون ارزش‌های تجربی، هم‌معنایی، شمول معنایی و تحلیل‌ها بر روی متون انتخابی انجام می‌پذیرد. با توجه به اینکه فرکلاف (همان) تصریح می‌کند این رویه وحی منزل تلقی نشود و این رویه صرفاً یک راهنماست و نه یک طرح و برخی محققان ممکن است بعضی از بخش‌ها را بیش‌ازحد مفصل ارزیابی کرده و حتی به کارشان نمی‌آید. از این‌رو، متون انتخاب شده در تحقیق حاضر از منظر موضوعاتی همچون عبارت بندی‌های افراطی یا دگرسان، تضاد معنایی، مجهول‌سازی، شمول معنایی، وجهیت رابطه‌ای، وجهیت بیانی مورد تحلیل قرار گرفتند.

در ابتدا به‌منظور مطالعه و مرور بر ادبیات موضوع منابع کتابخانه‌ای شامل کتب، مجلات تخصصی و پایگاه‌های مقالات علمی مورد استفاده قرار گرفت. سپس جهت گردآوری داده‌های موردنیاز و انتخاب متون مناسب برای تحلیل، از طریق رجوع به کتابخانه‌ها و مراکز نگهداری اسناد ملی، سایت‌های وابسته به ترجمان‌ها و سازمان‌های دولتی و همچنین رجوع به آرشیو اسناد و نشریات کتابخانه ملی، روزنامه‌ها و مجلات مختلف اقدام شد.

با توجه به اینکه تحقیق حاضر از نوع کیفی است و در تحقیق کیفی تعمیم نتایج از طریق اقدامات و آزمون‌های آماری مدنظر نمی‌باشد و صرفاً تعمیم تئوریک اهمیت دارد. از این‌رو، نمونه‌گیری تئوریک یا قضاوتی به‌عنوان روش نمونه‌گیری انتخاب شده است. به‌طور کلی در پژوهش‌هایی از این دست امکان تعیین دقیق نمونه میسر نیست. از این‌رو، اشباع نظری و تکرارشدن پاسخ‌ها رجوع به نمونه‌های جدیدتر را متفی می‌سازد.

با توجه به اینکه جامعه آماری ما مدیران دولتی در بخش آموزش و پرورش در سه دوره تاریخی حاکمیت دوره کارگزاران (۸ سال)، اصلاح‌طلبان (۸ سال) و آبادگران (۸ سال) بر قوه مجریه بوده است. از این‌رو، در ابتدا بیش از ۲۴۰ متن مصاحبه از میان مجموعه متون مورد بررسی، انتخاب و از میان آن‌ها با توجه به ارزش گفتمانی و همچنین مرتبطبودن به موضوع اصلی فعالیت آموزش و پرورش تعدادی متن انتخاب شد. بر این اساس مجموعاً ۲۴ متن برای سه دوره انتخاب شد. بدین ترتیب به ازای هر دوره تعداد ۸ متن مصاحبه یا سخنرانی مقامات رده اول (شامل: وزیر/معاونان وزیر/ قائم‌مقام و مشاوران وزیر، مدیران کل وزارتخانه) انتخاب شدند.

اعتبار تحلیل گفتمان

ارزیابی میزان دقت و روایی نتایج حاصل از تحقیقات گفتمانی امری دشوار و حتی غیرممکن است. چراکه پژوهشگران کمی گرا، از طریق مقایسه طبقه‌بندی نمرات در باب روایی و پایایی به توافق می‌رسند اما پژوهشگران تحلیل گفتمان، می‌توانند به مقایسه متون و بندهایی بپردازند که انعطاف‌پذیر و بی‌ثبات هستند.

درعین‌حال برای پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان کیفیت یک پژوهش مبتنی بر تحلیل گفتمانی را مورد ارزیابی قرار داد؟ می‌توان به دو راهکار اشاره کرد: اولین راهکار، مبتنی بر حفظ ملاک‌ها و معیارها در پژوهش‌های گفتمانی است و شامل تعریف و تعیین مجموعه‌ای از معیارها و ملاک‌هایی است که مختص به پژوهش‌های گفتمانی است. این معیارها مواردی از جمله تمرکز و تأکید بر وضوح توضیحات و روش‌های مورد استفاده، ارائه شواهد و مدارک کافی، وجود اعتبار در اسناد با استفاده از بررسی اعضا، مقایسه نتایج به‌دست آمده از منابع اطلاعاتی مختلف، سودمندی عملی و تراوایی (permeability) یا بازبودن محقق نسبت به بینش‌های جدید می‌باشند (عابدینی ۱۳۸۳ به نقل از عقیلی و لطفی، ۱۳۸۹).

اگر پژوهش کیفی از مفاهیمی چون چارچوب تفسیری، مقوله‌های اصلی در نظریه مبنا یا توصیف پدیدارشناختی به‌عنوان نظریه استفاده کند، می‌توان از ارزش‌های معرفت‌شناختی استفاده کرد. لذا، مطالعه کیفی باید مبتنی بر موارد ذیل باشد دقت و پیش‌بینی، پیوستگی و ارتباط درونی، تجانس و همگونی بیرونی، توان وحدت بخشیدن، باروری و سادگی یا ساده‌سازی (مک لئود ۲۰۰۱ به نقل از عقیلی و لطفی، ۱۳۸۹).

یافته‌های پژوهش

به‌منظور انجام تحلیل مهم‌ترین شاخصه در انتخاب متون مورد نظر پژوهشگران، میزان تناسب آن متن با حوزه فعالیت اصلی دستگاه و همچنین قرابت آن با مطالبه عامه مردم بوده است. منظور از مطالبه عمومی هم عبارت است از مجموعه خدماتی که در شرح وظایف سازمان دولتی است و عامه مردم انتظار دارند تا آن سازمان دولتی به آن‌ها ارائه نماید.

نکته قابل‌توجه اینکه هر دوره هشت سال در نظر گرفته شده است اما از آنجایی که سال پایانی هر دولتی در ایران کمتر از ۵ ماه می‌باشد و در این مدت نیز دولت مشغول برگزاری انتخابات دور بعد ریاست جمهوری هستند و مجموعه وزارتخانه‌ها احتمالاً در فضای انتخاباتی فعالیت می‌نمایند،

عبارت بندی‌های افراطی یا دگرسان کاربرد نامعمول شمار زیادی از کلمات تقریباً هم‌معنی در عبارات و جملات را عبارت بندی‌های افراطی یا دگرسان می‌گویند. این پدیده نشان‌دهنده شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است که ممکن است نشانگر این باشد که اینجا کانون مبارزه‌ای ایدئولوژیک است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۶).

جدول ۱ نوع موضوعات و مطالبات محوری مطرح شده در گفتار و زبان کنشگران در هریک از دوره‌ها را که به شکل افراط گونه‌ای به تواتر مورد تأکید قرار گرفته است، به ترتیب نشان می‌دهد:

پژوهشگران پایان سال شمسی آخرین سال دولت را مبنای تحلیل خود قرار داده‌اند و سه دوره شامل مهر و موم‌های ۶۸ تا پایان ۷۵، ۷۶ تا پایان ۸۳ و ۸۴ تا پایان ۹۱ در نظر گرفته شد.

پاسخ به سؤالات پژوهش

سؤال اول: مختصات گفتمان (شامل: مجهول‌سازی، عبارت بندی‌های افراطی یا دگرسان، شمول معنایی، تضاد معنایی، وجهیت رابطه‌ای، وجهیت بیانی) مدیران آموزش و پرورش در دوره‌های سه‌گانه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱ کدام است؟

جدول ۱. عبارت بندی‌های افراطی به تفکیک دوره‌های مورد بررسی

عبارت بندی های افراطی یا دگرسان	دوره مورد بررسی
شهریه مدارس، کمک های مردمی، مسکن فرهنگیان، کمبود منابع (انسانی، مالی، امکانات) مشارکت خانوارها، نظام جدید آموزش متوسطه، ضرورت توجه همه دستگاهها و مسئولان به اهمیت آموزش و پرورش	موضوع یا مطالبات دوره اول سال‌های (۶۸ تا ۷۵)
رعایت شأن فرهنگیان، کمبود بودجه و فضای آموزشی، مدارس غیراستاندارد، مدارس کپری، احیای مدیریت پرورشی، مدرسه محوری، توجه همه دستگاهها به اهمیت آموزش و پرورش، اصلاح نظام آموزشی، عدم تأیید جدایی امور تربیتی از امور آموزشی، مشارکت اولیا در تامین هزینه های مدارس، حقوق و معیشت معلمان، توجه به IT و ICT، خصوصی سازی، تغییر نظام آموزش و پرورش، اجباری نبودن پرداخت شهریه، مسکن فرهنگیان، کمک های داوطلبانه	موضوع یا مطالبات دوره دوم سال‌های (۷۶ تا ۸۳)
معیشت معلمان، احیای معاونت پرورشی، مسکن فرهنگیان، مسائل صنفی فرهنگیان، تأکید بر عزم ملی برای درک فلسفه آموزش و پرورش، بودجه آموزش و پرورش، کمبود نیروی انسانی، تشویق به بازنشستگی پیش از موعد، عدالت آموزشی، توسعه IT و ICT	موضوع یا مطالبات دوره سوم سال‌های (۸۴ تا ۹۱)

شمول معنایی

شمول معنایی موردی است که در آن معنای یک کلمه در بطن معنای کلمه‌ای دیگر جای دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۷). بر این اساس از نظر شمول معنایی بررسی متون دوره‌های سه‌گانه نشان می‌دهد که هرچند در همه دوره‌ها از مفاهیم مدیریتی نوین و مدرن در سخنان کنشگران می‌توان یافت و مشاهده کرد، اما نکته مهم در استعمال این مفاهیم اینکه از منظر گفتمانی در اکثر موارد از شمول معنایی برخوردار نیستند. بدین معنی که مفاهیم مورد استفاده بدون شکل‌گیری پایه‌های گفتمانی‌شان مطرح شده و با سایر عناصر مرتبط انسجام نیافته است و به همین خاطر بهره‌گیری از این مفاهیم عمیق، در حد شعارزدگی باقی مانده است. به‌عنوان مثال در همه دوره‌ها موضوع و مفهوم مشارکت به کرات استعمال شده و کنشگران گفتمانی در سطح لفظ و کلام خود از آن بهره برده‌اند؛ اما در قریب به اتفاق موارد، مفهوم مشارکت به‌ویژه مشارکت اولیاء و خانواده‌ها به ارائه کمک‌های نقدی و پرداخت مادی به مدارس

مقایسه سه دوره نشان می‌دهد که موضوعات «کمک و مشارکت مردمی، مسکن فرهنگیان، توجه به اهمیت آموزش و پرورش از سوی همه مسئولان، گونگی پرداخت شهریه، کمبود بودجه و منابع مالی» مواردی هستند که در هر سه دوره مسئله وزارت آموزش و پرورش بوده است و مسئولان هر سه دوره پیرامون آن اقدام به صحبت کرده‌اند.

از سوی دیگر برخی از موضوعات در دوره‌های دوم و سوم مطرح شده‌اند که می‌توان به مواردی همچون «نظام درواغ، کلمات یا عبارات فوق در اکثر متن‌های مورد بررسی و در همه دوره‌ها مورد توجه بوده است و این می‌تواند نشانه‌ای از وجود کانون مبارزه‌ای ایدئولوژیک باشد. درواغ، تأکید و تکرار مضاعف برخی از عبارات و کلمات توسط گویندگان در دوره‌های مختلف، گویای اهمیت و اولویت برخی موضوعات نسبت به سایر موضوعات در نزد گویندگان می‌باشد. جدید آموزش و پرورش، توجه به IT و ICT، احیای معاونت پرورشی» اشاره کرد.

را داشته به طوری که جز ۲ سال ابتدایی دوره، در ۶ سال باقیمانده مجهول سازی در حد زیاد مشاهده شده است. در دوره دوم و سوم سطح مجهول سازی تقریباً هم سطح ارزیابی می شود.

مهم ترین مثال بر این ادعا، قضیه مبهم و مجهول بودن دریافت یا عدم دریافت شهریه در همه دوره هاست. به طوری که در همه دوره ها کنشگران با الفاظی و بازی کلامی چندلایه هیچ پاسخ شفاف و قابل استنادی را برای مخاطب ارائه نکرده اند و این از ویژگی های بوروکراتهاست. بنابراین، می توان ادعا کرد در هر سه دوره حاکمیت روح بوروکراسی از منظر پیچیدگی در استفاده از زبان ارتباطی با مخاطب (مشتری یا ارباب رجوع) مشاهده می شود و فاصله زیادی با رویکردهای نوین و وضع موعود دارد.

وجهیت رابطه ای

وجهیت با اقتدار گوینده سروکار دارد. در صورتی که مسئله اقتدار یکی از مشترکین در رابطه با دیگران مطرح باشد، ما از وجهیت رابطه ای (اقتدار عینی) سخن می گوئیم (همان: ۱۹۳). بر این اساس در دوره اول وجهیت رابطه ای بالاتر از حد متوسط قرار دارد. اما در دوره دوم وجهیت رابطه ای پایین تر از حد متوسط بوده است. و نهایتاً در دوره سوم میزان وجهیت رابطه ای (اقتدار عینی) بالاتر از حد متوسط دیده می شود.

به طور نمونه می توان به این موارد اشاره کرد: «حتماً باید دوران آموزش ضمن خدمت را طی کرده باشند»، «برای قضاوت باید آمار درستی در دست باشد» و «این اعتراض نابخجایی است».

بدین ترتیب می توان این گونه بیان کرد که هیچ یک از دوره ها در ارتباط با استفاده از زبان قدرت و اقتدار در یک سطح قرار ندارند و در این میان دوره اول از سطح اقتدارگرایی و استفاده از زبان قدرت در بالاترین سطح قرار داشته و در دوره سوم این عامل درد متوسط بوده اما در دوره دوم استفاده از زبان قدرت پایین تر از سطح متوسط است. بر این اساس می توان گفت که هر سه دوره با اندک فاصله ای نسبت به هم در کنش های ارتباطی خود از گفتمان قدرت و اقتدار بهره برده اند و بنابراین با وضع موعود که زبان اقتدار جای خود را به زبان مفاهمه می دهد فاصله قابل توجه ای دارند.

وجهیت بیانی

اگر مسئله اقتدار گوینده در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد با وجهیت بیانی سروکار داریم، یعنی وجهیت ارزیابی گوینده از صدق یک موضوع (همان: ۱۹۳) و این یعنی اقتدار ضمنی و نه اقتدار عینی. به طور نمونه می توان به عبارات ذیل اشاره کرد: «باید پیشنهادهای فرهنگیان و دیگر

تقلیل یافته است. از این رو، می توان ادعا کرد که در خصوص موضوع مشارکت، گفتمان ها از وضع موعود فاصله دارند.

تضاد معنایی

تضاد معنایی همان ناسازگاری معنایی است. یعنی معنای یک کلمه با معنای کلمه دیگر ناسازگار باشد. مثل مرد و زن، سیاه و سفید (همان: ۱۷۸). از این منظر دوره اول و دوم با بیشترین تضاد معنایی مواجه است. به طوری که تقریباً در همه مهر و موم های این دوره ها یک یا موارد متعددی از تضاد معنا مشاهده می شود. با این تفاوت که در مجموع تضاد معنی در دوره دوم در موارد بیشتری نسبت به دوره اول به چشم می آید. دوره سوم نیز هر چند از منظر تضاد معنایی مشاهده شده نسبت به دوره های اول و دوم در سطح کمتری قرار دارد اما میزان تضاد قابل ارزیابی بیشتر از متوسط بوده و فاصله اندکی با سطح تضاد دوره اول دارد.

به عنوان نمونه می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مدارس غیرانتفاعی در تضاد با مدارس دولتی و عادی، روش های تحکمی و تحقیق آمیز در تضاد با محیط پر نشاط، خو انگیزه و فعال، مردان در تضاد با زنان، روش های تربیتی جذب کننده در تضاد با روش های تربیتی دفع کننده، مربی در نقش راهنما، راهگشا و مشاور در تضاد با مربی در نقش کنترل کننده یا مسئولیت های حراستی.

مجهول سازی

در جملات مجهول کنشگر حذف شده است و چنین عباراتی سببیت و کنشگری را نامشخص می گذارد. بدین ترتیب ممکن است هدف و نیت از چنین اقدامی در پرده ابهام نگه داشتن سببیت و کنشگری باشد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

از منظر مجهول سازی تقریباً در هر سه دوره الگوی یکسانی قابل مشاهده است. بدین معنی که مهر و موم های ابتدایی هر یک از دوره های سه گانه، از سطح مجهول سازی کمتری برخوردارند و کنشگران با شفافیت بیشتر و ابهام کمتر سخن می گویند، اما با گذر از ۲ تا ۳ سال اول از هر دوره میزان مجهول سازی در سخنان کنشگران افزایش یافته و ابهام در گفتارشان رو به مزاید می گذارد. بدین ترتیب می توان گفت در هاله ابهام نگه داشتن و عدم شفافیت نشانه ای از تلاش برای مخفی نگه داشتن نیت گوینده و معلق نگه داشتن مخاطب بوده و این از ویژگی ها و الزامات اداره سازمان ها در عصر کنونی نیست.

مقایسه سه دوره مورد مطالعه از منظر مجهول سازی مبین آن است که دوره اول (کارگزاران) بیشترین سطح مجهول سازی

دیده می‌شود و نهایتاً در دوره سوم وجهیت بیانی یا اقتدار ضمنی کمتر مشاهده می‌شود.

سؤال دوم: مفاهیم مدیریتی قابل استخراج از این گفتمان‌ها چیست؟ (مقایسه سه دوره)
با تحلیل گفتمانی متون می‌توان مفاهیم مدیریتی را به شرح جدول ذیل در سخنان و گفتار کنشگران در هریک از دوره‌های سه‌گانه مشاهده کرد:

صاحب‌نظران را نیز جمع‌آوری کرده و بررسی کند»، «من بارها یادآوری کرده‌ام که نظام آموزشی در زمان تغییر پیدا نکرد و فقط در این دوره اصلاح شد» و «باید نگاه مجددی به مدرسه داشت تا دانش‌آموز در این نگاه جدید هویت مستقلی برای خود بیابد» کلمه ربطی «باید» در این عبارات از ارزش بیانی برخوردار است و از جنبه حتمیت و اقتدار گونگی با مخاطب برخورد نمی‌کند.
در دوره اول وجهیت بیانی یا اقتدار ضمنی در حد پایینی است، اما در دوره دوم وجهیت بیانی یا اقتدار ضمنی بالاتر از آن

جدول ۲. مفاهیم مدیریتی قابل استخراج از گفتمان‌ها

دوره مورد بررسی	مفاهیم مدیریتی قابل استخراج از گفتمان‌ها
دوره اول سال‌های (۶۸ تا ۷۵)	مدیریت ارشادی، مشارکت، کنترل و نظارت، رسیدگی به شکایات و پاسخگویی، خصوصی‌سازی، تمرکزگرایی، شفاف‌سازی، گزارش‌دهی و پاسخگویی
دوره دوم سال‌های (۷۶ تا ۸۳)	مشارکت مردمی (مالی، مدرسه‌سازی)، مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری، مشارکت دانش‌آموزان در اداره مدرسه، مشارکت بخش خصوصی، کاهش تصدی‌گری دولت، تقویت روحیه کارگروهی، حذف بوروکراسی زائد، گزارش‌دهی و شفاف‌سازی، ساختار متمرکز، شایسته‌سالاری، افزایش اختیار، کوتاه مدت‌نگری، اداره سیاسی آموزش و پرورش
دوره سوم سال‌های (۸۴ تا ۹۱)	لزوم تغییر ساختار، تدوین برنامه استراتژیک، آموزش کاربردی فرهنگیان، برنامه پنج‌ساله، ساختارهای موقت، رویکرد تعامل‌جویی، کنترل و نظارت، آموزش الکترونیکی

از این رو، پژوهشگران در ابتدا با رجوع به نظریه‌های نوین و متأخر در حوزه اداره امور عمومی و به‌طور اخذ تمرکز بر پارادایم خدمات دولتی نوین، مدل حکمرانی خوب، مدل ارزش عمومی و مدل حکمرانی شبکه‌ای نسبت به احصای متغیرهای اصلی اقدام کردند که مهم‌ترین آن را در تصویر زیر نشان داده شده است.

سؤال سوم: گفتمان حاکم بر این مدیران یا وزرا تا چه میزان نزدیک یا دور از گفتمان مطلوب تئوریک ارزیابی می‌شود؟
به‌منظور مقایسه وضعیت فعلی یا موجود گفتمان یا زبان مدیریت دولتی با وضعیت موعود گفتمان یا زبان مدیریت دولتی لازم است در ابتدا شاخص‌ها و کدهای وضعیت موعود احصا شود.

جدول ۳. مقایسه ویژگی‌های موجود و موعود (تئوریک) گفتمان مدیریت دولتی و شاخص‌های محوری آن (منبع: نگارندگان)

نوع گفتمان	وضع موجود	وضع موعود
پارادایم‌ها و نظریه‌های پایه مورد استناد	پارادایم مدیریت دولتی سنتی پارادایم مدیریت دولتی نوین	پارادایم خدمات دولتی نوین مدل حکمرانی خوب مدل ارزش عمومی مدل حکمرانی شبکه‌ای
شاخص‌ها و متغیرهای گفتمانی مورد تأکید	حکمرانی سلسله‌مراتبی زبان قدرت بوروکراتیک مشتری محوری تأکید بر قانون	حکمرانی شبکه‌ای (مدیریت شبکه‌ای) زبان مفاهیم دموکراتیک شهروند محوری تأکید بر ارزش‌های مشترک (حرفه‌ای / اخلاقی / دموکراتیک) توجه به منافع عامه

بوروکراتیک، تأکید بر مشتری، تأکید بر قانون و توجه به منافع گروه‌های خاص از ویژگی‌های گفتمانی وضع موجود است و در

همچنان که جدول ۳ نشان می‌دهد حکمرانی سلسله‌مراتبی، حاکمیت زبان قدرت و اقتدار، تأکید بر رعایت قواعد

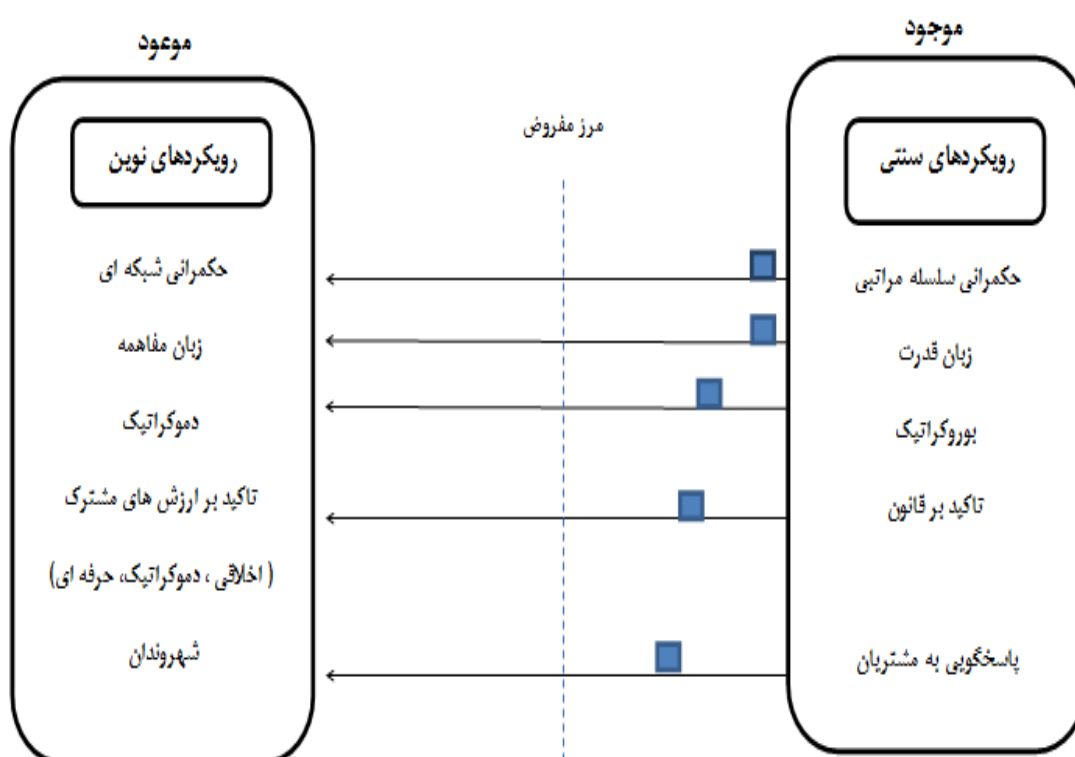
حد استفاده ابزاری و صوری باقیمانده و با بررسی عمیق و تحلیل و تفسیر از منظر فرامتنی و بینامتنی عملاً ملاحظه می‌شود که در حد قابل توجهی با شاخص‌های نوین مدیریت دولتی در این بخش فاصله دارد.

شکل شماتیک ذیل به خوبی این فاصله‌ها را به نمایش گذاشته است. تحلیل عمیق سازه‌های زبانی و گفتاری کنشگران این حوزه مؤید حاکمیت روح پارادایم‌های سنتی است و به طور دقیق‌تر می‌توان به شرح ذیل به تحلیل و تفسیر وضعیت موجود و چگونگی آن پرداخت:

نقطه مقابل در وضع موعود انتظار می‌رود تا شاخص‌ها و ویژگی‌هایی همچون حکمرانی شبکه‌ای، زبان مفاهمه، رویکرد دموکراتیک، توجه به انسان به‌عنوان شهروند، توجه به منافع عامه و توجه به ارزش‌های حرفه‌ای، اخلاقی و دموکراتیک مدنظر قرار داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی است که هرچند در سطح کلام و متن، گفتمان مدیریت دولتی در سازمان مورد بررسی، به مرزهای رویکردها و پارادایم‌های نوین نزدیک شده اما این موضوع در



شکل ۲. نمای شماتیک دوری و نزدیکی گفتمان مدیریت دولتی ایران به رویکردهای نوین (منبع: نگارندگان)

آموزش و پرورش فاصله بعدی از رویکردهای نوین دارد. شاهد این مدعی آنکه در سخنان مدیران مورد بررسی، از بخش خصوصی به‌شدت برای جذب سرمایه و حضور این بخش در ایجاد مدارس خصوصی نام برده شده است و از دیگر بخش‌های غیردولتی به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی اساساً در سپهر گفتمانی این مدیران نشانه‌ای ملاحظه نمی‌شود. از این‌رو، شکل‌گیری شبکه‌ها به‌عنوان ساختارهای نوین اداره سازمان‌های عمومی در دوره‌های مورد بررسی، قابل مشاهده نیست.

حاکمیت سلسله‌مراتب به‌جای شبکه‌ها

هر سیستمی برای ارتباط با سیستم‌های دیگر باید پیچیدگی هم‌سطح آن یا بالاتر از آن داشته باشد. از این‌رو، مدل سنتی سلسله‌مراتبی مدیریت دولتی برای حل مسائل حاضر اثربخش نیست و در چنین دورانی، حکمرانی شبکه‌ای مناسب است. در رویکردهای سنتی ختمی‌ها و سازوکارهای اداری و جلب مشارکت بخش خصوصی و تشکل‌های غیردولتی ابزار تحقق اهداف می‌باشند در حالی که در رویکردهای نوین ساختارهای شبکه‌ای و همکاری‌های راهبردی بخش دولتی با بخش‌های خصوصی و غیردولتی راه تحقق اهداف است که از این منظر

عناصر حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی فعالیت می‌کند و آمیخته با ارزش‌های مشارکت‌گستری در جامعه، اثربخشی، کارآمدی، صرفه‌جویی، شفافیت، پاسخگویی، عدالت‌گستری و جوابگویی به نیازهای آحاد مردم است. از این منظر رویکردهای سنتی بیشتر به الگوهای بوروکراتیک و اقتدارگرایی حاکم بر آن نزدیک‌اند و رویکردهای نوین حائز ویژگی‌های الگوهای دموکراتیک هستند.

بررسی قطعات معنایی سخنان مدیران مورد بررسی حاکی است که استفاده افراطی از زبان معیار بوروکراسی در ارتباط با مخاطب و خدمات گیرندگان باعث دور ماندن همه بازیگران شده و راه مشارکت آن‌ها را مسدود و محدود کرده است. از این رو، موفقیت هر راه‌حلی مستلزم همکاری و مشارکت شبکه‌ای از بازیگران سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی و نهادهای مردمی است.

تأکید بر قانون به جای تأکید بر ارزش‌های مشترک

سازوکارهای اداری محدود و تأکید بر مقررات از جمله ویژگی‌های رویکردهای سنتی است که دایره‌ای تنگ برای پاسخگویی به عامه مردم را به وجود آورده است. این موضوع در کنار ابهام در گفتار و رفتار از طریق استفاده از پیچیدگی‌های زبانی از طریق کارگزاران بخش عمومی شرایط نامطلوب‌تری نیز به وجود آورده است. بررسی متون حاکی از دوری بسترهای ارائه خدمت از ارزش‌های مورد تأکید در رویکردهای نوین است. به عنوان مثال هرچند بر ارزش‌های اخلاقی در سطح زبان توسط مدیران تأکید می‌شود اما جان‌مایه سخنان آن‌ها تأییدکننده این موضوع نیست.

تأکید بر مشتری به جای تأکید بر شهروند

نگاه به خدمت‌گیرنده یا مراجعه‌کننده به سازمان دولتی در نوع و چگونگی برخورد و تعامل کارگزاران این بخش با وی در شرایط آتی بسیار تعیین‌کننده است. اگر مراجعه‌کنندگان به دستگاه‌های دولتی صرفاً به عنوان خریداران خدمت فرض شوند طبیعتاً کارگزاران دولتی منطبق اقتصاد بر رویکردشان حاکم خواهد بود و در این فضا کسی که منافع مادی سازمان را بیشتر تأمین کند، بیشتر مورد توجه و اقبال کارگزاران قرار خواهد گرفت و چنین فردی تا زمانی ذی‌حق خواهد بود که بتواند هزینه‌های مادی خدمت دریافتی را بپردازد.

حاکمیت زبان قدرت به جای زبان مفاهمه

منافع عمومی برآیندی از گفت‌وگو و توافق گروه‌ها نسبت به ارزش‌های مشترک است. وقتی، الگوی کلی اداره سازمان‌ها سلسله‌مراتبی است، قطعاً خط فرمان بالا به پایین مسیر اعمال قدرت خواهد بود. دیوان‌سالاری یا اقتدار سلسله‌مراتبی و تأکید بر مقررات از دیگر شاخصه‌های بارز و چشمگیر در گفت‌وگو مدیران مورد بررسی است و زبان به عنوان عامل اعمال قدرت ایفای نقش می‌کند. از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های رویکردهای سنتی، تک سخن‌گویی (monologue) است. به عبارتی دیگر، سایر مشترکین و کنشگران در میدان منازعه گفت‌وگویی یا حضور ندارند و یا فضایی برای شنیده شدن برایشان مهیا نشده است. از این رو، اساساً در این رویکرد موضوع مفاهمه که مقدمه‌اش پذیرش حق اظهار نظر همه طرف‌های میدان گفت‌وگو است، منتفی است. این در حالی است که در رویکردهای نوین، بر ساختار شبکه‌ای مبتنی بر همکاری‌های متقابل ذی‌نفعان درون و بیرون سازمان و گفت‌وگوشود (dialogue) تأکید می‌شود و همه ذی‌نفعان نقش مشخص در میدان گفت‌وگویی دارند. از آنجایی که در بررسی سخنان مدیران، سطح وجهیت رابطه‌ای و بیانی در مجموع بالاتر از متوسط ارزیابی شده است طبعاً گفت‌وگو اقتدار حاکمیت داشته و نشانه‌ای از حضور معلمان، خانواده‌ها، دانش‌آموزان و نهادهای مدنی به عنوان سایر ذی‌نفعان حوزه آموزش ملاحظه نمی‌شود و به همین سبب موضوعات مطرح شده از سوی مدیران یا در دامنه نیازهای مخاطبان نشان نیست و یا راه‌حل‌های ارائه شده قدرت پاسخگویی به آن نیازها را ندارد.

الگوی بوروکراتیک به جای دموکراتیک

وجه مشخصه اصلی اداره امور عمومی سنتی، دولت‌گرایی^۱ است و دولت در نقش دستگاه دیوانی مقتدر و بزرگ برای تعقیب منافع ملی مشترک ظاهر می‌شود. الگوی تعامل در بافت دولت‌گرایی بر فرماندهی و کنترل مبتنی بر قواعد اکثریت است و دولت یگانه بازیگر مهم در قلمرو عمومی جامعه است. تصمیمات مهم و راهبردی در سطح دولت مرکزی اتخاذ می‌شود و دیگر بازیگران در قلمرو عمومی مشارکت اندکی دارند (سالارهی و ابراهیم پور، ۱۳۹۱).

نظام مدیریت دولتی در پارادایم‌های نوین همچون حکمرانی شبکه‌ای و حکمرانی خوب در بافت شبکه‌ای از

پیشنهادها

آن‌ها را در این خصوص اقتناع نمایند از این تکنیک بهره می‌برند.

پیشنهاد می‌شود مخاطبان دستگاه‌های دولتی صرفاً خروجی‌های ملموس و محقق شده واحدهای دولتی را معیار ارزیابی و قضاوت خود در خصوص عملکرد کارگزاران دولتی قرار دهند تا بدین ترتیب امکان فرار از پاسخگویی از طریق گمراه کردن مخاطب میسر نباشد.

شعاردگی در استفاده از نظریه‌ها و رویکردهای نوین در عرصه مدیریت سازمان‌ها به امری عادی در دستگاه‌های دولتی بدل شده است. این امر با توجه به افزایش مدرک‌گرایی و دانش اداری که چندان عمیق نیست در میان کارکنان سازمان‌ها بسیار حائز اهمیت است زیرا کارگزاران دولتی را به این ادبیات مسلح کرده و بدین ترتیب از طریق به‌کارگیری نمادین و شعاری ادبیات علمی و مفاهیم مندرج در آن، ضمن دورزدن مخاطب، به تصمیمات خودرنگ و بوی علمی می‌دهند. پیشنهاد می‌شود نتیجه‌گرایی به‌عنوان مطالبه دائمی عامه مردم در مواجهه با این موقعیت‌ها باشد.

با توجه به گستردگی موضوع گفتمان در عرصه مدیریت دولتی پژوهش‌های ذیل برای دیگر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود:

- بررسی سطح بوروکراتیزه بودن مدیریت دولتی در ایران با کشورهای منطقه نوردیک (به‌عنوان نماد دولت کارآمد با گفتمان مردم محور).
- تعیین شاخص‌های زبان معیار در بوروکراسی دولتی ایران.

هرچند زبان تخصصی باید در هر رشته به‌عنوان زبان معیار بین فعالان آن حوزه مورد استفاده قرار گیرد تا بدین ترتیب روابط بین متخصصین متناسب با روح حاکم بر فضای آن حرفه جریان یابد، اما به همان نسبت استفاده از زبان معیار در ارتباط با عامه مردم و مخاطبان غیرمتخصص باعث ابهام، افزایش ناآگاهی و سردرگمی آن‌ها خواهد شد.

از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در محاورات و مکاتبات دستگاه‌های دولتی در هنگام ارتباط با عامه مردم نسبت به به‌کارگیری زبان ساده که ترجمان ادبیات فنی و تخصصی آن‌هاست اقدام نمایند؛ و از کاربرد زبان پیچیده فنی در تعاملات با مردم خودداری شود. بدین منظور برای سیاست‌گذاری در سطح دولت (به‌طور خاص) و به‌طور کلی سطوح سه‌گانه قوا (به‌طور عام) ضروری است نسبت به ارائه تفسیر و معنای نهایی و فراگیر نتایج تصمیمات، اقدامات به‌طور شفاف و بدون استفاده از عبارات تخصصی به هنگام ارتباط با عامه مردم اقدام نمایند. بنابراین واحدهای حقوقی و همچنین متولیان تولید و بهبود فرایندها و روش‌ها در دستگاه‌های دولتی نقش بسزایی در تعیین استانداردها درکنش با عامه مردم دارند.

ابهام و عدم شفافیت از مهم‌ترین نقدهای وارد بر دیدگاه‌های سنتی است. از منظر گفتمانی یکی از راه‌های افزایش ابهام و کاهش شفافیت استفاده از تکنیک مجهول‌سازی است. معمولاً بوروکرات‌ها برای اینکه خود را فعال و متعهد نسبت به پیگیری مطالبات عامه نشان دهند و

منابع

- احمدی، فرید و احمدی، سهیلا (۱۳۸۹). «ارتقای بهره‌وری و دموکراسی در پارادایم خدمات دولتی نوین». فصلنامه مدیریت دولتی، سال اول، شماره ۲، ۹۹-۱۲۳.
- الوانی، سید مهدی و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). گفتارهایی در فلسفه نظریه‌های سازمان‌های دولتی. تهران: انتشارات سمت.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: انتشارات گفتمان.
- خالقی و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمانی امر اخلاقی در سیاست‌گذاری حکومت الکترونیکی ایران». فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۵ (۴)، ۷۹-۱۰۰.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۳). «مدیریت دولتی شبکه‌ای در ایران: خرد مایه نظری- عملی و استلزامات». پژوهش‌های مدیریت دولتی در ایران، دوره ۱۷ (۲).
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۷). چالش‌های مدیریت دولتی در ایران. تهران: انتشارات سمت.
- سالارزهی، حبیب ا... و ابراهیم پور، حبیب (۱۳۹۱). «بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا حکمرانی خوب». فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۴ (۹)، ۴۳-۶۲.
- سلیمی نوه، اصغر (۱۳۸۳). «گفتمان در اندیشه فوکو». ماهنامه کیهان فرهنگی، انتشارات کیهان، شماره ۲۱۹، ۵۰-۵۵.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجم: شایسته پیران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قیصری، نورالله (۱۳۸۵). «گفتمان سیاسی امام خمینی و گفتمان‌های رقیب». پژوهشنامه متین، شماره ۳۰، ۱۴۵-۱۸۳.

- مرادی، محمد؛ نرگسیان، عباس و توسلی، هانیه (۱۳۹۶). «مطالعه و مقایسه پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی». *فصلنامه مدیریت دولتی*، دوره ۲، ۱۹۳-۲۱۲.
- مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن». *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ۲(۲)، ۹۱-۱۲۴.
- میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۸۵). *مبانی فلسفی تئوری سازمان*. تهران: انتشارات سمت.
- Ahmadi, F. & Ahmadi, S. (2010). "Promoting Productivity and Democracy in the New Public Service Paradigm". *Journal of Public Administration*. First year, second issue. (in Persian)
- Alvani, S. M. & Danaeefard, H. (2009). *Speeches in Philosophy of Theories of public Organizations*. Tehran: Samt. (in Persian).
- Bovaird, T. (2002). *Public Management and Governance*. Edited by Eran Vigoda at Public Administration: An Interdisciplinary Critical Analysis, Publication of Marcel Dekker.
- Bozeman, B. (2002). "Public-value Failure: When Efficient Mardets may not do". *Public Administration Review* 62(2), 61-145.
- Danaeefard, H. (2014). "Network public administration in Iran: theoretical-scientific approaches and Requirement". *Public administration research in Iran. 17th period*, (2). (in Persian)
- Danaeefard, H. (2008). *Challenges of public administration in Iran*. Tehran: Samt. (in Persian).
- Denhardt, R. B. & Denhardt J.V. (2000). "The New Public Service: Serving rather than Steering". *Public Administration Review*, 60(1), 549-559.
- Fairclogh, N. (2000). *Critical discourse analysis. translator: Shayesteh Piran*. Tehran: Media Research Center publication. (in Persian)
- Fairclogh, N. (2006). *Language and Globalization*, London and New York: Routledge.
- Hess, M. & Adams, D. (2007). "Innovation in public management; Role and Function of community knowledge". *The Innovation Journal: The public Sector innovation journal*. 12(1).
- Hughes, Owen. E. (1381). *New public management*. Tehran: Morvarivd. (in Persian)
- Kearns, I. (2004). *Public Value and e-government*, Institute for Public Policy Research, London.
- Koing, K. (2003). "On the Typology of Public Administration". *International Review of Administrative Sciences*, 64(4).
- McGuire, M. & Agranoff, R. (2011). "The limitations of public administration networks". *Public Administration*, 89(2), 2011.
- Mirzaei, A. H. (2006). *Philosophy of theory of organization*. Tehran: Samt. (in Persian).
- Moghadami, m, T. (2011). "Theory of discourse analysis of laclau and Mouffe and its criticism". *Maarefate farhangijtemaei*. 2(2), 91-124. (in Persian)
- Moghimi, S, M., Ziaee, M. S., Ameli, S. R. & Nargesian, A. (2012). "study f the nature of administration of Iran in three decades after the revolutions and development of the efficient model in Iran". *Public administration quarterly*, 4(4), (113-128). (in Persian)
- Moore, M. H. (2000). *Managing for Value: Organizational Strategy in For-profit, Non-profit, and Governmental Organizations. Non-profit and Voluntary Sector Quarterly*, 29 (1), 183-204.
- Polidano, C. (1999). "Public Management Refrm in Developing Countries". *Public Management*, 1(1).
- Salarzahi, H. & Ebrahimpour, H. (2012). "Study of evolutions in public administration paradigm: from traditional paradigm to good governance". *Public*

- administration journal*, 4(9), 43-62. (in Persian)
- Smith, R. (2004). "Focusing on Public Value: Something New and Something Old". *Australian Journal of Public Administration*, 63(4), 68-79.
- Tajik, M, R. (2000). *Discourse and Discourse Analysis*. Tehran: Discourse Publishing. (in Persian)
- Torfin, J. (2005). *Discourse theory: Achivements, Arguments, and challenges*, in D. Howarth and J. Torfin (Eds.) *Discourse theory in European politics*, New York: plagrave Macmillan:1-30.